

برنامه پنجم، جمعیت و نیازهای عمده آن

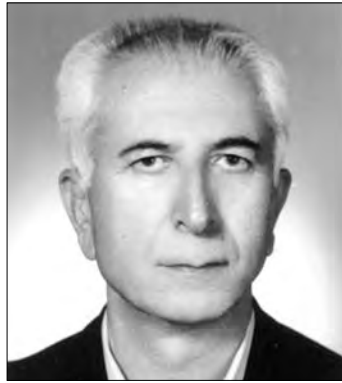
تحلیل از دکتر حبیب‌الله زنجانی، رییس انجمن جمعیت‌شناسی ایران و عضو هیأت تحریریه ماهنامه «اقتصاد ایران»

یکی از ویژگی‌های عصر برنامه‌ریزی، توجه به جمعیت و تحولات آینده آن است؛ چه همه برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی به نحوی با تعداد، توزیع و ترکیب جمعیت در آینده ارتباط دارند. نیازهای جامعه متنوع هستند. برخی از آنها به تعداد جمعیت، برخی به ساختار جمعیت و برخی نیز به توزیع و پراکندگی آن بیش از موارد دیگر مربوط می‌شوند و در عین حال با ابعاد دیگر تحول جمعیت ارتباط دارند.

آخرین پیش‌بینی هماهنگ جمعیت کشور و استان‌ها به تفکیک جنسیت و شهری و روستایی، ارقامی را در اختیار می‌گذارد که لاجرم باید مورد توجه برنامه‌ریزان، به ویژه در برنامه پنجم کشور باشد که از طرف دولت تهیه و به مجلس شورای اسلامی تحویل داده شده است. خطوط پرنرنگ این پیش‌بینی که با مشارکت و هماهنگی کامل سازمان‌های تولید آمار و اطلاعات آماری کشور تهیه شده، حاوی اطلاعات زیر است.

به جمعیت کشور از میانه سال ۸۹ تا میانه سال ۹۴ سالانه نزدیک به یک میلیون و ۹۵ هزار نفر افزوده می‌شود که در یک دوره پنج‌ساله، بالغ بر ۵ میلیون و ۴۷۳ هزار نفر خواهد شد. افزایش جمعیت شهری در این دوره ۴ میلیون و ۲۹۶ هزار نفر و افزایش جمعیت روستایی یک میلیون و ۱۷۷ هزار نفر خواهد بود؛ به شرط آن که در این دوره، هیچ نقطه جدیدی از آبادی‌های کشور به شهر تبدیل نگردد و هیچ روستایی نیز در شهر ادغام نشود؛ یعنی تعداد شهرهای کشور در سطح هزار و ۱۲ شهر سال ۸۵ و تعداد آبادی‌های دارای سکنه نیز در سطح ۶۳ هزار و ۹۵ آبادی آن سرشماری ثابت بماند. البته گفتنی است در همین چند سال اخیر، مرتباً بر تعداد شهرها افزوده و از تعداد آبادی‌های دارای سکنه کاسته شده است؛ به گونه‌ای که تا آبان‌ماه ۸۷ تعداد شهرهای کشور بالغ بر هزار و ۹۷ آبادی شده است.

افزایش نزدیک به ۵/۵ میلیون نفر به جمعیت کشور به معنی افزایش مصرف بیش از ۲/۵ میلیون تن غله تا سال پایانی این برنامه است و نیاز به ایجاد بیش از ۳۱۳ هزار واحد مسکونی اضافی را برای هرسال مطرح می‌کند؛ نیازی افزون بر رقم انباشته‌شده‌ای که از گذشته بر جای مانده است. این رقم بخشی از نیاز جامعه به واحد مسکونی است و با توجه به نرخ تخریب که حدود ۱/۵ درصد در سال برآورد شده باید سالانه بین ۲۴۰ تا ۲۵۰ هزار واحد مسکونی جایگزین بر آن تعداد افزوده شود و در عین حال، کسری تأمین مسکن جامعه نیز که در سال ۸۵ بر پایه یک خانوار یک واحد



مسکونی، بالغ بر ۱/۷ میلیون بوده، باید در یک دوره زمانی میان‌مدت تأمین شود. اگر این دوره حدود ۷ سال تصور شود، باید سالانه ۲۴۳ هزار واحد مسکونی نیز از این بابت تأمین شود که حداقل مورد نیاز سالانه را به ۸۰۶ هزار واحد مسکونی می‌رساند. به این رقم باید ساخت و سازهای را افزود که برای بهبود وضع سکونت، حذف واحدهای پرتراکم و تأمین عدالت سکونتی باید ایجاد شوند.

شهرنشینان جدید

افزایش ۴ میلیون و ۲۹۶ هزار نفر به جمعیت شهری کشور در این دوره پنج‌ساله با توجه به آن که میانگین جمعیت شهرهای کشور در حال حاضر حدود ۴۷ هزار نفر است، معادل ایجاد ۹۱ نوشهر دیگر است. در صورتی که حتی دوسوم این جمعیت را بتوان در بافت پیوسته شهرها جای داد، باید ۳۰ شهر جدید ۵۰ هزار نفره تا پایان برنامه پنجم تدارک دیده شود. با توجه به این واقعیت که از ۲۱ شهر جدید برنامه‌ریزی شده کشور که به تدریج از حوالی سال ۷۰ شروع به ایجاد شده‌اند، تنها ۱۵ شهر از آن میان به جمعیت‌پذیری رسیده‌اند و در پایان نیمه اول سال ۸۷ جمعاً ۳۵۶ هزار نفر - میانگین ۲۴ هزار نفر در هر شهر - جمعیت داشته‌اند، باید تلاش عظیمی را برای ایجاد این شهرها مبذول داشت. شرکت عمران شهرهای جدید، نیازسنجی و مکان‌یابی شهرک‌ها و شهرهای جدید مورد نیاز کشور را در دستور کار خود قرار داده، ولی حتی اگر مکان‌یابی این شهرها تا یک سال دیگر هم به اتمام برسد، ساخت و جمعیت‌پذیری آنها در طول برنامه پنجم به تحقق نخواهد رسید و زمان طولانی‌تری را نیاز خواهد داشت. از این رو برای جلوگیری از پراکنده‌سازی، ایجاد مراکز سکونتی ناکارآمد و توسعه بدمسکنی، باید توان‌های فنی و مالی کشور تجهیز شوند و در اختیار شرکت عمران شهرهای جدید قرار گیرند و تمام گزینه‌های ممکن نیز از بارگذاری جمعیتی شهرهای جدید موجود، توسعه

جمعیتی و فعالیتی سکونت‌گاه‌های روستایی مستعد برای پذیرش این نقش و مکان‌یابی‌های مناسب‌تر دیگر مدنظر قرار گیرند. در غیراین صورت، همان‌طور که در طول سال‌های ۷۵ تا ۸۵، ۴۰۰ نقطه بر تعداد شهرهای کشور اضافه شد، باید شاهد رویش شهرهای جدید برنامه‌ریزی نشده‌ای باشیم که مصایب و مشکلات ناشی از افزایش آنها به مراتب بیش از خیر و برکتی است که باید به بار آورند.

گرچه تغییر ساختار جمعیت در یک دوره کوتاه‌مدت نمی‌تواند سنگینی بار ناشی از آن را در برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی به خوبی نشان دهد، با این همه پیامدهای حاصل از این تغییر حتی در این دوره پنج‌ساله نیز قابل توجه است. در شرایطی که در این دوره تعداد افراد کمتر از یکساله که شاخص خوبی از سطح باروری محسوب می‌شوند، از یک میلیون و ۵۸۹ هزار و ۳۲۸ نفر در سال آغازین به یک میلیون و ۴۳۳ هزار و ۶۸۱ نفر در سال پایانی برنامه کاهش یابند، این نسبت در این دوره پنج‌ساله با توجه به افزایش تعداد جمعیت، بیش از ۱۶ درصد کاهش می‌یابد. نسبت افراد کمتر از ۱۵ سال نیز تحت تأثیر عملکرد گشتاوری جمعیت از ۲۳/۸۱ درصد به ۲۴/۸۷ درصد افزایش می‌یابد و از این طریق ۷۹۴ هزار نفر بر بار جمعیتی کشور اضافه می‌شود. در نتیجه ۳۷/۴ درصد از ۲ میلیون و ۱۲۰ هزار و ۹۱۸ نفر افزایش گروه سنی صفر تا ۱۴ ساله مربوط به اثر تغییر ساختار خواهد بود و ربطی به متوسط سطح باروری زنان نخواهد داشت. از طرف دیگر، تعداد افراد ۶۰ ساله به بالای کشور از ۵ میلیون و ۳۶۳ هزار نفر در سال ۸۹، به ۶ میلیون و ۴۶۰ هزار نفر در سال ۹۴ خواهد رسید و سهم نسبی آنها از کل جمعیت از ۷/۲۱ درصد به ۷/۸۳ درصد افزایش خواهد یافت. اگر ساختار جمعیت تغییر نمی‌کرد، این رقم باید به ۵ میلیون و ۷۶۱ هزار نفر می‌رسید. معنای دیگر این امر از نظر برنامه‌ریزی آن است که ۴۹۹ هزار نفر از ۸۹۷ هزار افزایش تعداد سالخوردگان در این مدت ناشی از تغییر ساختار جمعیت خواهد بود که برنامه‌ریزی‌ها عنایت کمتری به این دینامیزم دارند. اثر دیگر این تغییر ساختاری، فزونی میزان رشد سالانه زنان ۸۰ سال به بالا (۲/۴۱ درصد) نسبت به مردان همین سنین (۱/۵۵ درصد) است که باید برنامه‌های تأمین سلامت و رفاه اجتماعی با حساسیت بیشتری به آن بپردازند تا از انباشته شدن یک نیاز مهم تحول ساختاری جمعیت برای آینده جلوگیری کنند. ■